



ضرورت توجه به فانتزی در کتاب فارسی دانش‌آموزان

فاطمه سلطانی  حجت اله امیدعلی 

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. f-sultani@araku.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

H-omidali@araku.ac.ir

چکیده

نگاهی گذرا به کتاب‌های فارسی دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که توجه به تأثیر داستان‌های فانتزی در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان از نظر آموزش و پرورش و مؤلفان کتب درسی مغفول مانده است. این پژوهش بر لزوم توجه به فانتزی در کتاب‌های فارسی دانش‌آموزان تأکید می‌کند؛ بدین منظور نگارندگان با بررسی و تحلیل محتوای مجموعاً ۲۱۲ درس از کتاب فارسی پایه اول دبستان تا پایه دوازدهم به این نتیجه رسیده‌اند که سهم فانتزی در کتاب‌های فارسی دانش‌آموزان کمتر از ۴٪ است و این مقدار با توجه به تأثیر فانتزی بر جنبه‌های مختلف ذهنی و رفتاری کودکان و نوجوانان بسیار ناچیز و تقریباً هیچ است. پژوهش حاضر به شیوه تحلیل محتوا در قالب جدول و نمودار، بسامد فانتزی را در کتاب فارسی دانش‌آموزان هر سه مقطع تحصیلی بررسی کرده است. سپس ضمن توجه دادن مسئولین نظام آموزش و پرورش و مسئولین امر نوشتن کتاب‌های درسی به کارکردها و تأثیرات فانتزی در زندگی کودکان و نوجوانان، پیشنهادهایی را برای گنجاندن این گونه ادبی در کتاب فارسی دانش‌آموزان ارائه داده است. کارکردهای فانتزی؛ به‌ویژه کارکرد تعلیمی و اخلاقی آن همسو با بیانیه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و هم جهت با اهدافی است که در مقدمه کتاب‌های فارسی به آن اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: کتاب درسی فارسی، تخیل، فانتزی

۱- مقدمه

دوره کودکی، به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مراحل شکل‌گیری هویت فردی و جمعی، نقشی بی‌بدیل در تکوین ساختارهای فکری، فرهنگی و اجتماعی ملت‌ها ایفا می‌کند. این دوره، به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که کودکان در مواجهه با جهان پیرامون، از استعدادی شگرف برای جذب، پردازش و حتی نقد افکار، باورها و الگوهای رفتاری برخوردارند؛ گویی ذهن پویای آنان همچون آینه‌ای شفاف،

تصاویر جامعه آینده را منعکس می‌سازد. بر همین پایه، می‌توان ادعا کرد کودکی نه تنها سنگ بنای شخصیت فردی، بلکه خشت نخستین معماری تمدن‌های آتی است. در این میان، ابزارهای شناختی تعلیم و تربیت به‌مثابه کلیدی اساسی، در گنجینه استعداد‌های نهفته کودکان را می‌گشایند و در این مسیر، ترغیب به مطالعه کتاب - به‌ویژه در قالب گونه‌های ادبی همسو با طبیعت کنجکاو و خلاق آنان - از جایگاهی خاص برخوردار است.

در این زمینه، داستان‌های فانتزی - با تکیه بر ماهیت فراتر از مرز تخیل - به‌عنوان گونه‌ای ادبی که به‌طرز شگفتی با روحیه پرسشگر، هیجان‌طلب و احساس‌محور کودکان هم‌آوا می‌شود، جایگاه خود را به‌عنوان ابزاری کارآمد در حوزه تربیت شناختی تثبیت کرده‌اند. جان رونالد روئل تالکین^۱ (۱۸۹۲-۱۹۷۳)، که از او به‌عنوان «پدرخوانده فانتزی مدرن» یاد می‌شود، معتقد است: کودکان در حال رشد، با اشتیاقی سیری‌ناپذیر و حسی شکننده، به سوی داستان‌های فانتزی گرایش می‌یابند؛ گویی این روایت‌ها آب‌شخوری برای عطش ذاتی آنان به کشف ناشناخته‌هاست. (۱۳۸۵: ۱۲۷) این گزاره، محققانی همچون فیض‌نژاد (۱۳۸۹: ۱) را بر آن داشته تا با صراحتی علمی اعلام کنند: فانتزی، ارزشمندترین موهبت ذهن بشر است که نه تنها نباید با محدودیت‌های تحمیلی آن را خاموش کرد، بلکه می‌بایست از نخستین سال‌های زندگی - هم‌چون آموزش موسیقی - با برنامه‌ریزی هدف‌مند، پرورشش داد. قدرت چنین آثاری در گسترش قلمرو تفکر، تعمیق واکنش‌های عاطفی و غنی‌سازی هویت فردی کودکان، بی‌همتا است.

با این حال، علیرغم اجماع جهانی بر نقش محوری تخیل به‌عنوان موتور محرکه خلاقیت و ابزاری شناختی در فرایند یادگیری، متأسفانه در بسیاری از نظام‌های آموزشی از جمله در حوزه تألیف کتاب‌های درسی فارسی، دوره‌های تالیفی تخیل که خسرو نژاد (۱۳۸۷: ۸۷) آن را اوج شکوفایی قوه خیال در هفت سالگی می‌داند، نادیده انگاشته می‌شود. این غفلت، نه تنها پنجره‌رو به جهان بی‌کران احتمالات را بر روی کودکان می‌بندد، بلکه جامعه را از امکان پرورش نسلی خلاق، نقاد و توانمند برای مواجهه با چالش‌های پیچیده آینده محروم می‌سازد. در این میان، داستان‌های فانتزی با ویژگی‌های منحصر به فردی همچون گستردگی قواعد جهان

^۱ . John Ronald Reuel Tolkien

واقعی، خلق موجودات اسطوره‌ای و بسترسازی برای کنش‌گری آزادانه ذهن به‌عنوان عرصه‌ای امن و الهام‌بخش، به پرندۀ تخیل کودکان بال پرواز می‌دهند.

فانتزی از طریق فراهم کردن موقعیت‌های فرضی و «شبه‌سازی ذهنی» به کودکان امکان می‌دهد مهارت‌های حل‌مسأله، انعطاف‌پذیری شناختی و برنامه‌ریزی را در بستر امن تمرین کنند؛ درگیری با شخصیت‌ها و انگیزه‌هایشان همچنین نظریه ذهن و همدلی را تقویت می‌کند. پژوهش‌های علوم‌عصبی نشان می‌دهد که تخیل فعال و بازنمایی‌های داستانی شبکه پیش‌فرض مغز را تقویت می‌کنند و این شبکه با خلاقیت، همدلی و برنامه‌ریزی بلندمدت در ارتباط است. (Immordino-Yang, 2016)

نکته درخور تأمل، تبدیل شدن این گونه ادبی به «شکل عالی هنر» (به تعبیر تالکین) در سطح جهانی است؛ جایگاهی که با کارکردهای چندلایه آن - از تقویت مهارت‌های حل مسئله تا آموزش غیرمستقیم ارزش‌های اخلاقی و تابوگسستن از مفاهیم انتزاعی - توجیه می‌شود. با این توصیف، چگونه می‌توان پذیرفت که در کتاب‌های درسی فارسی - که باید آیینۀ تمام‌نمای غنای ادبیات فارسی و هم‌زمان، نیازهای شناختی نسل نو باشند - سهمی ناچیز یا حتی صفر به این ژانر حیاتی اختصاص یابد؟ این خلأ بزرگ، نه ضعفی گذرا که زنگ خطری برای آیندۀ فرهنگی جامعه است.

این پژوهش، با آگاهی از این ضرورت انکارناپذیر، بر آن است تا با تعریف دقیق گونه فانتزی (شامل تمایزات ساختاری و محتوایی آن از ژانرهای هم‌خانواده مانند علمی-تخیلی یا وحشت)، تبیین کارکردهای شناختی، عاطفی و اجتماعی آن (از طریق واکاوی نظریه‌های تربیتی و ادبی معتبر) و نیز برجسته‌سازی ویژگی‌های منحصر به فردش (همچون جهان‌آفرینی، تعلیق تعهد به واقعیت و استفاده از نمادپردازی‌های چندلایه)، لزوم گنجاندن برنامه‌ریزی‌شده و نظام‌مند این گونه ادبی در کتاب‌های درسی فارسی را به‌صورتی مستدل و اجتناب‌ناپذیر نمایان سازد. هدف نهایی، نه صرفاً پرکردن صفحه‌ای از کتاب، که فراهم آوردن بستری برای پروبال گرفتن ذهن‌های پرسش‌گر، ساختن پل‌هایی بین ادبیات کهن و نیازهای جهان مدرن، و در یک کلام، آفرینش نسلی است که تخیل را نه بازیچه، که سلاحی برای ساختن فردایی روشن‌تر می‌داند.

با وجود نقش بی بدیل ادبیات فانتزی در شکوفایی خلاقیت، گسترش قلمرو تخیل و تقویت مهارت‌های شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان، شواهد حاکی از آن است که در کتاب‌های درسی فارسی دانش‌آموزان ایران، به این گونه ادبی تأثیرگذار به صورت نظام‌مند و هدف‌مند توجه نشده است. در حالی که در سال‌های اخیر، ادبیات داستانی بزرگسالان ایران تا حدی به سمت خلق آثار فانتزی گرایش یافته، ادبیات کودک و نوجوان - و به تبع آن، محتوای کتاب‌های درسی - از این جریان ادبی غنی فاصله گرفته‌اند. این غفلت در حالی رخ می‌دهد که پژوهش‌های بین‌المللی و نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون تالکین، فانتزی را نه صرفاً سرگرمی، بلکه هنری می‌دانند که توانایی بسط تفکر انتقادی، تقویت هوش هیجانی و غنای هویت فردی را در مخاطبان جوان داراست.

مسئله کلیدی این پژوهش، خلأ چشم‌گیر گونه فانتزی در کتاب‌های فارسی مقاطع مختلف تحصیلی است؛ خلأئی که پیامدهای آن تنها به محدودیت‌های آموزشی ختم نمی‌شود، بلکه به تحمیلی ناخواسته بر ذهنیت نسلی تبدیل می‌شود که فرصت پرواز در آسمان تخیل - به عنوان موتور محرکه نوآوری - را از دست می‌دهند. افزون بر این، نبود تعریف دقیق و اجماع علمی از ژانر فانتزی در حوزه پژوهش‌های آموزشی، به برداشت‌های نادرست و تحلیل‌های ناکارآمد انجامیده است.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

پرسش محوری پژوهش حاضر بر چگونگی بازتعریف ژانر فانتزی و تبیین کارکردهای تربیتی آن، و ضرورت جایگاه این گونه ادبی در کتاب‌های درسی فارسی تاکید دارد و در پی پاسخ به این سوالات است:

۱-۲-۱- وجود فانتزی در کتاب فارسی دانش‌آموزان چه ضرورت و مزایایی دارد؟